

## در باره منشور مطالبات حداقلی تشکل های مستقل صنفی و مدنی ایران

انتشار " منشور مطالبات حداقلی تشکل های مستقل صنفی و مدنی ایران " سبب کنش ها و واکنش های افراد و گروههای سیاسی داخل و خارج از ایران گشت.

انتشار این منشور از دو جنبه حائز اهمیت است. از یک طرف بیانگر نیاز روز افزون کارگران و زحمتکشان ایران به سازماندهی برای پیشبرد مبارزات شان بر علیه نظام سرمایه داری حاکم است و از طرف دیگر، شیوه برخورد گروهها و نظرات مختلف به این منشور، سبب گشت تا به وضوح طرز تفکر گروهها و افراد مختلف به مسئله تشکیلات و مبارزات خود جوش توده ها عریان گردد. هر دو جنبه در تکامل مبارزاتی کارگران و زحمتکشان نقشی مهم و کلیدی ایفا می کند. عده ای تنها به این دلیل که خود نقشی در سازماندهی و ایجاد چنین تشکل هایی نداشته اند، برای سرپوش گذاشتن بر روی عدم توانایی خود در سازماندهی کارگران و زحمتکشان، با چپ روی ها و دستور العمل هایی، نه بر آمده از بستر مبارزاتی مردم، بلکه با نسخه هایی ذهنی و از پیش تعیین شده و کلیشه ای به آن برخورد می نمایند. این دسته از فعالین سوسیالیست تصور می کنند که هم اکنون محور کارمزدی و مالکیت خصوصی باید در دستور روز قرار گیرد و به کمتر از آن قانع نمی شوند. شعار تولید برای مصرف و نه برای سود باید مطرح و به اجرا گذاشته شود. در حقیقت این شعار ها که خواست هر کمونیستی است اگر به جای یک خواست حداقلی گذاشته شود کمدی دون کیشوتی را به نمایش می گذارد که می خواهد به جنگ آسیاب های بادی برود. هر انقلاب اجتماعی احتیاج به تدارکات و برنامه ریزی های کوتاه مدت میان مدت و دراز مدت دارد.

تا زمانی که کمونیستها توانایی متشکل کردن و متحد کردن کارگران و زحمتکشان را بدست نیاورند و تا زمانی که توانایی ایجاد حزب کمونیستی که پایه های اساسی آن در میان کارگران و زحمتکشان باشد را بدست نیاورند، هر گونه انقلاب اجتماعی که بتواند ماشین نظام سرمایه داری را در هم کوبد و بر ویرانه های آن نقشی نو در اندازد غیر ممکن و محال است. هر گونه پلاتفرم تشکیلاتی خود جوش در بین کارگران و زحمتکشان نمی تواند و نباید همانند اساسنامه حزب کمونیست باشد؛ اما، اینگونه پلاتفرم های تشکیلاتی کارگران و زحمتکشان می تواند و باید سکویی برای شروع سازماندهی انقلابی کارگران و زحمتکشان از طرف کمونیستها تلقی گردد تا به کمک آن، هسته های کمونیستی به منظور ایجاد حزب کمونیست شکل گیرد. یک کمونیست می داند که باید تحلیل مشخص از شرایط مشخص داشته باشد. ما از روی آرزوها و آمال و ذهنیت خود، نه می توانیم و نه باید برای جامعه نسخه انقلاب بپیچیم.

برخورد دیالکتیکی به مسئله جامعه و چگونگی انقلاب در جامعه بدین معنی است که تنها در پراتیک های مشخص مبارزاتی می توان به تحلیلی درست از شرایط مشخص مبارزاتی و برنامه ریزی برای آن دست یافت. "تنوری زمانی به نیروی مادی تبدیل می شود که توده ها را فرا گیرد." و برای فراگیری توده ها، باید در میان آنان بود؛ با آنان زیست و مبارزه کرد و در میان آنان به تبلیغ و ترویج اندیشه های کمونیستی پرداخت. باید ابزار این فراگیری توده ای و در نتیجه مادی شدن اندیشه های انقلابی خود را فراهم آورد و این ابزار چیزی نیست جز سازماندهی توده ها. یعنی تشکلات گوناگون کارگران و زحمتکشان در هر سطح و مرحله ای از تکامل می تواند و باید زمینه ای برای تبلیغ و ترویج انقلابیون کمونیست جهت ایجاد تشکلات و هسته های کمونیستی به منظور پایه ریزی برای ایجاد یک حزب کمونیست فراگیر، با هدف رهبری مبارزات توده ها برای سرنگونی نظام سرمایه داری باشد. خواسته های حداقلی کارگران و زحمتکشان نه تنها نباید تخطئه و مورد بی اعتنایی قرار گیرد، بلکه یک کمونیست واقعی باید از هر گونه خواسته به حق کارگران و زحمتکشان پشتیبانی کرده و در جهت ارتقای انقلابی این خواسته ها بکوشد. کمونیستها نمی توانند و نباید بر روی خواسته های به حق، هر قدر هم کوچک و حداقلی کارگران و زحمتکشان، سرپوش گذاشته و به بهانه های واهی و تنها به صرف اینکه هدف سرنگونی نظام سرمایه داری است، آن را تخطئه نمایند.

نادیده گرفتن هر گونه خواسته های حداقلی کارگران و زحمتکشان، چشم پوشی از این خواسته ها و عدم پشتیبانی از آن؛ در حقیقت غیر ممکن کردن سازماندهی کارگران و زحمتکشان و در نتیجه غیر ممکن کردن ایجاد هسته های انقلابی در بین آنان و غیر ممکن کردن انقلاب خواهد بود. درست همانطوری که توده ها را در سطح همین خواسته های حداقلی نگه داشتن نیز، اکونومیسم و غیر ممکن کردن انقلاب است. هر دو اینها، دو روی یک سکه هستند و یک نتیجه را به ارمغان می آورند یعنی غیر ممکن کردن انقلاب سوسیالیستی. چپ روی و اکونومیسم هر دو بر خاسته از عدم شناخت دیالکتیکی جامعه و ضربه زنده به انقلاب است. ما زمانی می توانیم خواسته های توده ها را ارتقاء دهیم که کلا مطالبه گری در سطح جامعه وجود داشته باشد. سطح و سطوح این مطالبه گری را نیز ابتدا خود توده ها بر مبنای شرایطی که در آن قرار دارند تعیین می کنند؛ ولی وظیفه یک کمونیست سوق دادن و تکامل این مطالبه گری ها و رساندن آن تا سطح یک انقلاب و کسب قدرت سیاسی توسط توده هاست. این یک مبارزه ای سترگ و دراز مدت را می طلبد و در این گونه مبارزات است که توده ها و همینطور نماینده های پیشرو و آگاه آنان یعنی کمونیستها آبدیده می گردند. دید از بالا داشتن به توده ها و تحقیر مبارزات آنان نشانه بی کفایتی، کودکی و عدم درک از ماتریالیسم دیالکتیک است، نه رادیکال بودن.

در هیچ فضای مجازی و در پشت هیچ رایانه ای نمی توان به طور مادی توده ها را سازماندهی و متشکل کرد. باید توده ها را در میدان مبارزه، میدان مبارزاتی که در اشکال و سطح و سطوح مختلفی در جریان است، سازماندهی کرد. کمونیستها نه در حرف بلکه در عمل، می توانند به توده ها نشان دهند که دمکرات ترین و پیگیر ترین فداکار ترین افراد هستند. باید در عمل به توده ها، برخورد صحیح به دوست و دشمن نشان داده شود. باید در عمل نشان داد که راهی به جز سرنگونی قهر آمیز نظام سرمایه داری، پیش روی کارگران و زحمتکشان نیست. یعنی باید با شرکت در مبارزات خرد و کلان به تکامل و رادیکالیزه نمودن خواستهای کارگران و زحمتکشان کمک نمود. متأسفانه بعضی از گروههایی که به نام کمونیسم فعالیت دارند، بین نقد به منظور نفی و تخطئه و نقد مثبت یعنی نقد به منظور اثبات، ارتقا و تکامل تفاوت قائل نمی شوند. نقد ما به نظام موجود، که جز بدبختی و فلاکت برای توده های مردم چیزی به ارمغان نیاورده است، نقدی برای نفی نظام موجود است که جهت گیری تکاملی آن باید به نقد با سلاح بیانجامد. ولی نقد ما به خواستها و مطالبات زحمتکشان نقدی مثبت، ایجابی و در جهت ارتقاء خواستهای کارگران و زحمتکشان است. تا جایی که خود کارگران و زحمتکشان به درک نقد نظام موجود با سلاح برسند.

هر تشکل مبارزاتی و مطالباتی کارگران و زحمتکشان از نظر کمونیستها باید امری مثبت تلقی گردد. امری که می تواند، زمینه تبلیغ و ترویج و سازماندهی را برای انقلابیون کمونیست فراهم آورد. کمونیستها بجای رد و تخطئه چنین منشور و بیانیه هایی، باید به نقد مثبت آن یعنی تکامل آن یاری رسانند. بنابراین هدف، سازماندهی انقلاب توده ها برای نبردی سترگ است؛ نبردی که پرولتاریا تنها در اتحاد و با کمک دیگر اقشار و طبقات زحمتکش جامعه، می تواند به آن دست یابد. در پروسه این نبرد است که پرولتاریا می تواند شجاعت و پیگیری و انقلابی بودن خود را به جامعه به اثبات برساند و رهبری انقلاب را بدست گیرد و پیروز گردد. در پروسه این مبارزه است که پرولتاریا باید نشان دهد که نسبت به دیگر اقشار زحمتکشان، دمکرات ترین و پیگیر ترین و در مقابل دشمنان قاطع ترین، مبارز است.

بابک فرزام هفتم اسفند ۱۴۰۱